شمارش معکوس برای اعدام یک قاتل

اخبار

گروه حوادث/ حکم قصاص مرد میانسالی که با وسوسه‌های یک زن، نقشه قتل شوهر او را اجرا کرده بود با تأیید قضات دیوان‌عالی کشور و اجازه رئیس قوه قضائیه آماده اجرا شد.

■ **گزارش پرونده**

عصر ۱۹ اردیبهشت سال ۸۸ زن جوانی در تماس تلفنی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ از قتل همسرش خبر داد. با حضور مأموران کلانتری باغستان و تیم ویژه بررسی صحنه جرم، این زن مدعی شد: شب قبل به همراه دخترکوچکم برای میهمانی به خانه پدرم رفتیم و امروز به محض ورود به خانه با پیکر خون‌آلود شوهرم در آشپزخانه روبه‌رو شدم.

وی افزود: همسرم اعتیاد داشت اما از یک سال قبل ترک کرده بود. نمی‌دانم او با چه کسی اختلاف داشت و از روابط او با دوستانش بی‌خبرم. اما شوهرم به‌عنوان راهنما، جلسات مشاوره ترک اعتیاد برای معتادان برگزار می‌کرد.

در حالی که در بررسی صحنه جنایت، دو نوع فیلتر سیگار مختلف و دو استکان چای روی میز پیدا شد، مأموران دریافتند عامل جنایت از آشنایان مقتول بوده و این میهمان آشنا با انگیزه‌ای مرموز مرتکب جنایت شده است.تحقیقات جنایی برای شناسایی قاتل ادامه داشت و در این رابطه پلیس به چند نفر نیز ظنین شد و به بازجویی از آنها پرداخت اما هیچ کدام در قتل دخالتی نداشته و آزاد شدند تا اینکه مأموران ۳ سال بعد از قتل دریافتند همسر مقتول مخفیانه با مردی ازدواج کرده است بنابراین مرد میانسال را دستگیر و از او بازجویی کردند.

«رشید» ۴۳ ساله در ابتدا منکر دخالت در این جنایت شد اما وقتی چاره‌ای جز اعتراف ندید، گفت: از مدتی قبل با این زن آشنا شدم همیشه از شوهر معتادش بدگویی و مرا تحریک به کشتن او می‌کرد. شب قبل از جنایت، همسر مقتول از تلفن عمومی با من تماس گرفت و گفت با شوهرش دعوا کرده‌اند و او و فرزندش را از خانه بیرون کرده است. او به من گفت امشب بهترین فرصت برای اجرای نقشه قتل شوهرش است چرا که در خانه تنهاست.متهم ادامه داد: من از ازدواج اولم صاحب یک فرزند هستم. البته همسر دومم نیز به خاطر اینکه با پسرم ناسازگاری داشت رابطه خوبی با هم نداشتیم و می‌خواستیم جدا شویم اما وقتی با این زن آشنا شدم او مرا با حرف‌هایش فریب داد و گفت اگر شوهرم را از سر راه برداری با تو ازدواج می‌کنم من هم فریب وعده‌های او را خوردم.

روز حادثه به بهانه اینکه خودروام خراب شده و کمک می‌خواستم به خانه مقتول رفتم. او هم بی‌خبر از همه‌جا مرا به داخل راه داد و حتی برایم چای آورد. من برای شستن دست‌هایم به آشپزخانه رفتم و چاقویی برداشتم و از پشت به مقتول زدم و فرار کردم.وی ادامه داد: ۱۵ ماه از قتل گذشته بود که زن مقتول را برای یک سال به عقد موقت خودم درآوردم اما همین ازدواج راز ارتباط ما را فاش کرد.با اعترافات تکان دهنده این مرد، وی در دادگاه کیفری استان البرز به قصاص نفس- اعدام- و همسر مقتول به ۳ سال حبس محکوم شدند و این حکم در شعبه ۲۹ دیوانعالی کشور تأیید شد.با درخواست قصاص از سوی اولیای دم و استیذان برای اجرای این حکم، شمارش معکوس برای قصاص یا بخشش پای‌چوبه دار آغاز شده است.

دستگیری عامل تیراندازی مرگبار

گروه حوادث/ متهم سابقه دار که با تیراندازی‌های بی‌هدف به ساکنان منطقه «سگزآباد» بویین زهرا، یک نفر را کشته و یک مأمور پلیس را نیز مجروح کرده بود، در کمتر از یک ساعت دستگیر شد.

ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه شامگاه یکشنبه ۱۳ مرداد، یکی از متهمان سابقه دار به پشت بام خانه‌اش در بویین زهرا رفته و با اسلحه شکاری مردم را هدف گرفت. ساکنان منطقه «سگزآباد» که وحشت کرده بودند با پلیس تماس گرفتند. اما ضارب پس از دیدن مأموران آنها را نیز هدف قرار داد و پس از مجروح کردن مرد ۳۵ ساله‌ای که از بستگانش بود وشلیک به یکی از مأموران متواری شد.

سردار مهدی حاجیان، فرمانده انتظامی قزوین در تشریح این خبر به ایلنا گفت: «پس از تماس مردم با پلیس ۱۱۰، واحد گشت کلانتری به محل اعزام شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد مرد ۴۲ ساله‌ای از اهالی محل که از مجرمان سابقه دار بود، از پشت بام خانه‌اش به مردم تیراندازی می‌کند. این مجرم با دیدن مأموران، اقدام به فرار کرد اما در کمتر از یک ساعت پیش از خروج از شهرستان دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری نیز از او کشف شد. براساس آخرین گزارش‌ها مجروح حادثه به علت شدت جراحات در بیمارستان فوت کرد. تحقیقات از متهم برای کشف انگیزه او ادامه دارد.»

جسد کودک غرق شده از آب گرفته شد

گروه حوادث/ جسد کودک غرق شده در رودخانه سیمینه‌رود پس از ۲۰ ساعت جست‌وجو از آب بیرون کشیده شد.

علی مولایی - مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری میاندوآب- به فارس گفت: یک کودک هشت ساله اهل روستای گوگ‌تپه بخش مرکزی این شهرستان عصر روز شنبه به‌دلیل ناآشنایی به فنون شنا در سیمینه رود میاندوآب غرق شده بود. وی با بیان اینکه جسد این کودک پس از غرق شدن با وجود تلاش‌های نیروهای امدادی در روز شنبه و تاریکی هوا پیدا نشده بود، افزود: سرانجام روز یکشنبه جسد این کودک پس از ۲۰ ساعت جست‌وجو از آب بیرون کشیده شد.وی با بیان اینکه آمار غرق‌شدگی در روزهای اخیر از جمله در ۴۸ ساعت گذشته در این شهرستان افزایش یافته است، ادامه داد: فوت سه نفر در دو روز به‌دلیل غرق‌شدگی نگران‌کننده است.

جعبه جواهرات حاوی گراس بود

گروه حوادث/ پیک موتوری که هنگام انتقال یک جعبه جواهر، به محتویات آن مشکوک شده بود بسته را که حاوی مواد مخدر بود تحویل پلیس داد .

رسیدگی به این پرونده از زمانی آغاز شد که راننده پیک موتوری با شرکت پشتیبانی خود تماس گرفت و گفت: از مشتری که در خواست پیک کرده بود یک جعبه جواهرات گرفتم تا آن را به آدرسی که داده بود ببرم اما جعبه کوچک به نظرم مشکوک است .

به‌دنبال این تماس پشتیبانی شرکت نیز موضوع را به پلیس خبر داد. مأموران نیز از وی خواستند که با موتورسوار تماس گرفته و به او بگوید تا بسته مشکوک را به کلانتری سنایی انتقال دهد؛ موتور سوار نیز دقایقی بعد در کلانتری حاضر شد و بسته را به پلیس تحویل داد. مأموران پس از بازکردن این جعبه متوجه مقداری مواد مخدر گراس در آن شدند.

سرهنگ داریوش امرایی رئیس کلانتری سنایی در این باره گفت: کار شناسایی و دستگیری صاحب مواد که به نظر می رسید از خرده فروشان باشد در دستور کار ماموران قرار گرفت و در عملیاتی گسترده به همراه این پیک موتوری به آدرسی که قرار بود بسته را تحویل دهند رفته و تحویل گیرنده این مواد مخدر را شناسایی کردند. بدین ترتیب فرد مورد نظر بازداشت شد وی در اظهارات خود مدعی شد به دلیل اینکه مأموران وی را دستگیر نکنند مواد مخدر را به وسیله پیک انتقال داده است. طی عملیات دستگیری این فرد بیش از ۱۰۰ گرم مواد مخدر گراس نیز کشف شد.

مسعود استاد در گفت‌وگو با «ایران»:

تصمیم نهایی را به خانواده ام می سپارم

گروه حوادث- مرجان همایونی/ چند روز پس از صدور حکم قصاص محمدعلی نجفی به جرم قتل همسرش میترا استاد، وکیل متهم از روند مثبت مذاکرات برای جلب رضایت اولیای دم خبر داد. حمیدرضا گودرزی اظهار داشت با خانواده مقتول دیدار داشته و برای جلب رضایت آنها از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد. برای اطلاع از جزئیات این مذاکره و تأیید آن خبرنگار حوادث «ایران»، با مسعود استاد، برادر مقتول گفت‌وگویی انجام داد که در ادامه می‌خوانید:

■ در چند روز گذشته خبر مذاکره شما و خانواده تان به‌عنوان اولیای دم و وکلای محمدعلی نجفی مطرح شده است. آیا شما انجام مذاکرات را تأیید می‌کنید؟

بله. ما تاکنون اجازه ملاقات حضوری به وکلای آقای نجفی نداده بودیم و صحبت‌های ما تلفنی بود. اما برای نخستین بار اواخر هفته گذشته بود که در خانه ما جلسه‌ای با حضور وکلای آقای نجفی، خانواده‌اش و دو نفر از دوستان ایشان برگزار شد. البته این را هم بگویم که در مراسم خواهرم که در مسجد برگزار شده بود، خانواده آقای نجفی هم حضور داشتند.

■ چه صحبت‌هایی در این نشست مطرح شد؟

بیشتر درباره بخشش و گرفتن رضایت از ما بود و اینکه لذت بخشش بیشتر از انتقام است. همین طور درباره اینکه اصرار داشتند به ما بقبولانند که آقای نجفی قصد قتل نداشتند و این یک اتفاق بوده است.

■ شایعاتی در خصوص شرایط بخشش و دریافت دیه از سوی شما وجود دارد. آیا بواقع شما برای بخشش درخواست مبالغ میلیاردی کرده‌اید؟

به هیچ عنوان در جلسه ما صحبتی از پول به میان نیامد.

■ نتیجه این مذاکره چه بود؟

من کماکان نظرم بر قصاص است مگر اینکه اتفاقی بیفتد و کمی وضعیت روحی‌ام آرامتر شود و بتوانم به این موضوع فکر کنم. البته احساس می کنم که اگر با قصاص جان کسی را بگیرم من هم قاتل هستم.

■ زمانی که آرام شدید چه شرطی برای بخشش خواهید داشت؟

هنوز در این مورد فکری نکرده‌ام و در صورت رسیدن به آن شرایط تعیین تکلیف را به عهده پدرو مادرم و مهیار می‌گذارم. البته حرف‌های زیادی در رابطه با پول گفته‌اند. ولی آنچه می‌دانم این است که هر تصمیمی بگیرم فقط به رضای خدا فکر می‌کنم.از دوستان هم می‌خواهم اجازه دهند که خانواده مرحومه با آرامش تصمیم بگیرند و از دخالت پرهیز کنند.

عکس: ایران

ماجرای گم شدن گوشی ۷۰۰ میلیونی

گروه حوادث/ پسر ثروتمند که مدعی است گوشی تلفن همراه ۷۰۰ میلیون تومانی اش از سوی یک دختر جوان سرقت شده با شکایت از وی او را روانه بازداشتگاه کرد.

عکس: ایران

به‌گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ساعت ۳ بعد از ظهر شنبه ۱۲ مرداد مرد جوانی با مأموران کلانتری ۱۲۲ دربند تماس گرفت و از ورود دختری غریبه به خانه‌اش و درگیری با او خبر داد.

مأموران بلافاصله راهی محل حادثه که برجی در خیابان نیاوران بود شدند. با ورود پلیس به خانه، پسر جوان در تحقیقات اولیه گفت: امروز وقتی به خانه آمدم در کمال ناباوری دختر جوانی را دیدم که در حال جمع کردن وسایل خانه‌ام است. با او درگیر شدم اما مرا کتک زد و برایم چاقو کشید. این دختر حتی خودرویی برای حمل وسایل خانه‌ام اجاره کرده بود. من یک گوشی تلفن همراه از جنس طلا داشتم که ۷۰۰ میلیون تومان ارزش دارد و الان ناپدید شده است من این گوشی را در عوض بدهی ۹۰۰ میلیون تومانی‌ام از فردی گرفته بودم. مطمئنم گوشی را این دختر دزدیده است.

باتوجه به اظهارات مرد جوان، پس از هماهنگی‌های قضایی دختر جوان بازداشت شد. فرنگیس در تحقیقات گفت: این پسر دروغ می‌گوید، اوایل امسال در میهمانی شبانه‌ای با او آشنا شدم و ۱۰ اردیبهشت با هم نامزد کردیم. بعد از نامزدی هم به خانه او آمدم و ۶۰ میلیون تومان جهیزیه به خانه پدرام آوردم. او در کار واردات خودرو است و وضع مالی خیلی خوبی دارد. بعد از مدتی زندگی در خانه او متوجه شدم که در خرید و فروش خودروهایش کارهای غیر قانونی می‌کند و سر همین مسأله و مسائل خانوادگی اختلاف پیدا کردیم.

درنهایت هم ۱۱ مرداد باهم دعوایمان شد و مرا از خانه بیرون کرد. من به غیر از ۶۰ میلیون تومان جهیزیه‌ای که به خانه پدرام آوردم، یک میلیون و پانصد هزار دلار هم به او داده بودم تا با آن پول کار کند.

حتی برای اثبات این ادعایم فیلم و عکس هم دارم. زمانی که می‌خواستم دلارها را به پدرام بدهم، از لحظه انتقال دلارها فیلم گرفتم و دستنوشته‌ای هم در این خصوص به من داد. اما به غیر از این‌ها او انگشتر طلای مرا هم سرقت کرد.

■ **ورود با کلید**

دختر جوان گفت: وقتی که پدرام مرا از خانه بیرون کرد خیلی ناراحت شدم. روز حادثه هم برای برداشتن بعضی از وسایل ضروری که مال خودم بود به خانه برگشتم. چند باری زنگ زدم اما کسی پاسخ نداد. من هم با کلیدی که داشتم، وارد خانه شدم. در حال جمع کردن وسایلم بودم که ناگهان پدرام وارد و با من درگیر شد. از گوشی تلفن همراه طلایی هم که می‌گوید خبری ندارم و نمی‌دانم کجاست. باتوجه به اینکه گوشی تلفن طلا ناپدید شده بود و پدرام مدعی بود فرنگیس گوشی را به سرقت برده و در محلی مخفی کرده است، بازپرس ایرد موسی از شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت دستور بازداشت دختر جوان را صادر کرد. بررسی‌ها در خصوص پیدا شدن گوشی تلفن طلا ادامه دارد.

راز ناپدید شدن ۸ ساله پسر جوان

عکس: ایران

گروه حوادث/ خانواده پسر جوانی که از ۸ سال قبل به‌طرز مرموزی ناپدید شده باشکایت از دوست وی مدعی شدند قاتل پسرشان است وخواهان قصاص شدند.

به گزارش خبرنگار «ایران»، بامداد ۱۱ آبان سال ۹۰ مرد سالخورده‌ای به پلیس آگاهی رفت واز ناپدید شدن پسر ۲۸ ساله‌اش به‌نام عباس خبر داد.

وی گفت: از پسرم هیچ اطلاعی ندارم. او آخرین بار همراه دوست صمیمی اش به‌نام سیاوش به سفر شمال رفت و دیگر بازنگشت تا اینکه دیروز عصر سیاوش مقابل در خانه‌مان آمد و سراغ پسرم را گرفت. می‌گفت از عباس خبری ندارد اما پسر کوچکم گفت که سیاوش کاپشن عباس را به تن داشت و ماشین و گوشی تلفن همراه او نیز در اختیار سیاوش بود. من به او مشکوک هستم و می‌ترسم سیاوش بلایی سر پسرم آورده باشد.

با اطلاعاتی که این مرد به پلیس داد سیاوش ۳۰ ساله بازداشت شد. در بررسی سوابق وی مشخص شد که ۲ سابقه سرقت از خانه نیز در پرونده‌اش دارد. وی ادعا کرد از سرنوشت دوستش هیچ اطلاعی ندارد و گفت: من و عباس به سفر شمال رفته بودیم اما با هم به تهران برگشتیم و من هیچ خبری از او ندارم.او خودش ماشینی را که در اختیار داشت به من داد و رفت.

در حالی که سیاوش منکر اطلاع از سرنوشت عباس بود تلاش پلیس نیز به نتیجه نرسید و هیچ ردی از عباس به دست نیامد. سیاوش نیز با وثیقه آزاد شد تا اینکه با گذشت هشت سال از این ماجرا سیاوش صبح دیروز در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه پدر عباس در جایگاه ویژه ایستاد و گفت:من تنها ولی دم پسرم هستم و همسرم سال‌ها پیش فوت شده است. شک ندارم سیاوش پسرم را کشته و جنازه او را سر به نیست کرده است.

اگر او در این سال‌ها با ما همکاری کرده و حقیقت را گفته بود حالا اعلام رضایت می‌کردم اما سیاوش با دروغ گویی‌هایش در این سال‌ها ما را فریب داده و به‌همین خاطر برایش قصاص می‌خواهم.

وی در پاسخ به سؤال قاضی درباره اینکه از کجا می‌دانید سیاوش قاتل پسرتان است، گفت: وقتی سیاوش مقابل در خانه‌مان آمد و سراغ عباس را از برادر کوچکش گرفت کاپشن عباس را به تن داشت و موبایل پسرم در دستان او بود. من وقتی مقابل در خانه رفتم تا او را بگیرم او پا به فرار گذاشت. من شک ندارم قاتل پسرم است.

سپس سیاوش در جایگاه ویژه ایستاد و جرمش را انکار کرد. وی گفت: من و عباس بچه یک محل بودیم و از سال‌ها قبل یکدیگر را می‌شناختیم.من اعتیاد داشتم و به کمپ ترک اعتیاد رفته بودم تا اینکه چند ماه بعد عباس هم به آنجا آمد. من پس از خروج از کمپ چند بار به ملاقات او رفتم و با هم صمیمی‌تر شدیم. آن روز او با پراید دزدی مقابل در خانه‌مان آمد و از من خواست تا با هم به سفر شمال برویم. من هم قبول کردم. اما من درست به‌خاطر ندارم به کدام شهر رفته بودیم. شیشه کشیده بودم و حال طبیعی نداشتم که خودم را در ساحل دریا دیدم. عباس می‌گفت دختری را می‌شناسد که یک سماور عتیقه دارد. او می‌خواست سماور عتیقه را از دختر جوان بدزدد. وقتی به شمال رسیدیم عباس با دخترجوان تماس گرفت اما او پاسخش را نداد. حتی عباس از آنجا با پدرش تماس گرفت و گفت به شمال رسیده است.

وی ادامه داد: شارژ موبایل عباس تمام شده بود به همین خاطر سیمکارتش را در گوشی موبایل من انداخت و گوشی خودش را به من داد به‌همین خاطر گوشی او پیش من بود. وقتی می‌خواستیم به تهران برگردیم بین راه پرایدی را دید که قفل نداشت. عباس پراید را سرقت کرد و خودروی پراید خودش را که البته آن هم دزدی بود به من داد. ما پس از مصرف شیشه به سمت تهران حرکت کردیم اما چون جاده مه آلود بود من ماشین او را گم کردم و دیگر او را ندیدم.

قاضی پرسید: تو در بازجویی‌های اولیه اعتراف کرده بودی که در شمال با عباس درگیر شدی و او را با چاقو کشتی، در این باره چه می‌گویی؟

سیاوش پاسخ داد: من قبلاً تحت فشار به قتل اعتراف کرده بودم اما حالا حقیقت را می‌گویم. در این سال‌ها پلیس عباس را پیدا نکرده من نمی‌دانم چه بلایی سر او آمده است.

من فکر می‌کنم شاید عباس زنده است و پدرش قصد اخاذی از من را دارد چرا که یک بار به من گفتند اگر ۴۰۰ میلیون تومان به ما بدهی رضایت می‌دهیم تا آزاد شوی ولی وقتی گفتم پولی ندارم درخواست قصاص دادند. با پایان دفاعیات این متهم، قضات برای تصمیم‌گیری در این پرونده مرموز وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

پایان شوم فرار از تبعیدگاه

گروه حوادث/ مرد افغانستانی که به جرم شرکت در نزاع منجر به قتل از سوی دادگاه به شهرستانی دور تبعید شده بود بعد از فرار به تهران آمد و جنایتی دیگر را رقم زد.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، صبح روز ۱۰ تیر گزارش مرگ مردی افغانستانی در یکی از بیمارستان‌های تهران از سوی مأموران کلانتری ۱۷۹ خلیج فارس به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد.

به دنبال اعلام این خبر تحقیقات آغاز و در نخستین بررسی‌ها مشخص شد که این مرد افغانستانی سه روز قبل به علت سوختگی شدید به بیمارستان منتقل شده است. وی قبل از مرگ درباره علت سوختگی اش گفته بود که از سوی هم ولایتی اش که به او ۵ میلیون تومان بدهکار بوده به آتش کشیده شده است.

بدین ترتیب هویت متهم اصلی پرونده به‌نام محمد و سه همدستش شناسایی شد. کارآگاهان با استعلام سابقه کیفری آنها دریافتند که مرد افغانستانی چند سال قبل نیز در نزاع مرگباری شرکت داشته است که منجر به قتل یک پسر ایرانی شده بود.

در آن پرونده محمد و سه همدستش دستگیر شده بودند و پس از محاکمه در دادگاه ، قاتل از سوی قضات به قصاص و محمد نیز به سه سال حبس و دو سال تبعید محکوم شده بود. همچنین مشخص شد که محمد پس از گذراندن دوران محکومیتش در زندان به تبعیدگاهش منتقل شد اما وی دو بار از تبعیدگاه فرارکرده و به تهران برگشته بود. ماجرای آتش زدن مرد افغانستانی در پارک نیز بعد از دومین فرار وی رخ داده است.با به‌دست آمدن این سرنخ، کارآگاهان دریافتند که چند روز بعد از جنایت، محمد به جرم فرار از تبعیدگاه بازداشت شده و به طور موقت در زندان قزل حصار به سر می‌برد. از آنجا که وی دو بار از تبعیدگاهش گریخته بود قضات دادگاه محل تبعیدگاه وی را تغییر داده و او را محکوم به پرداخت جریمه نقدی نیز کرده بودند.با مشخص شدن این موضوع پس از هماهنگی‌های قضایی با بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران، متهم از زندان قزل حصار برای تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد.مرد افغانستانی در بررسی‌های اولیه به جرم خود اعتراف کرد و گفت: مقتول از من ۵ میلیون تومان پول می‌خواست و مدام پیغام می‌داد که پول را به او برگردانم. اما من توانایی پرداخت آن را نداشتم. روز حادثه برای چندمین بار مقتول با من در پارکی قرار گذاشت. من هم قبل از اینکه به پارک بروم مقداری بنزین تهیه کردم و داخل شیشه نوشابه‌ای ریختم و به همراه سه نفر از دوستانم به آنجا رفتیم. درگیری بالا گرفت و من بنزین را روی مقتول ریختم، قصدم آتش زدن نبود ولی این حادثه رخ داد.

تحقیقات در این رابطه از سوی بازپرس جنایی تهران درحالی ادامه دارد که فرزند مقتول و مادرش خواهان قصاص متهم هستند.